

● مقاله تحقیقی کد مقاله: ۰۰۳



بررسی میزان آگاهی و نگرش گیرندگان کارت اهدای اعضا و نسوج در مورد اهدای اعضا و نسوج در بانک فرآورده های پیوندی ایران (مطالعه مورد/شاهد)

چکیده

مقدمه: عواملی نظیر باورهای اجتماعی، اعتقادات مذهبی و سطح آگاهی و نگرش افراد بر میزان اهدا موثر می باشد. افزایش آگاهی و نگرش جامعه با هدف تغییر باورهای نادرست می تواند در افزایش اهدای اعضا و نسوج پس از مرگ موثر باشد. این مطالعه به منظور بررسی آگاهی و نگرش افراد دارای کارت اهدای پس از مرگ در زمینه اهدا و پیوند اعضا و نسوج انجام شده است.

روش کار: مطالعه به روش مورد-شاهد از خرداد ماه ۱۳۸۵ لغایت فروردین ماه ۱۳۸۶ در بانک فرآورده های پیوندی ایران انجام شد. ۱۷۸ نفر داوطلب دریافت کارت اهدای پس از مرگ گروه مورد مطالعه و همین تعداد از افرادی که به دلایلی غیر از پیوند به بیمارستان امام خمینی تهران مراجعه نمودند گروه شاهد در نظر گرفته شد. دو گروه با پرسشنامه یکسان ۲۳ سؤالی با اطلاعات دموگرافیک و سوالاتی در زمینه مورد مطالعه، سنجیده شدند.

یافته ها: در این بررسی میزان آگاهی و میزان نگرش گروه مورد مطالعه بطور معنی داری بیشتر از گروه شاهد بود ($P_{value} < 0.05$). میزان نگرش و سن در گروه مورد مطالعه ارتباط معنی داری با هم داشت و هر چه سن کمتر میزان نگرش بیشتر بود.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که علت اصلی عدم تمایل به اهدای اعضا و نسوج، آگاهی ناکافی، نگرش منفی و اطلاعات نادرست در زمینه اهدا و پیوند می باشد. در نتیجه می توان با آموزشهای عمومی در سطح جامعه و ایجاد نگرش مثبت میزان اهدا و به تبع آن میزان پیوند را افزایش داد.

واژه گان کلیدی: آگاهی، اهدای اعضا و نسوج، پیوند، نگرش.

دکتر بابک ارجمند^{۱*}
دکتر سید حمید رضا آقایان^۲
پریسا گودرزی^۳
دکتر سید حسن امامی رضوی^۴
دکتر علی جعفریان^۵

۱- پزشک عمومی، مرکز تحقیقات و بانک فرآورده های پیوندی ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران،
۲- پزشک عمومی، مرکز تحقیقات و بانک فرآورده های پیوندی ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران،
۳- کارشناس پرستاری، مرکز تحقیقات و بانک فرآورده های پیوندی ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران
۴- متخصص جراحی عمومی، مرکز تحقیقات و بانک فرآورده های پیوندی ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران
۵- متخصص جراحی عمومی، مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

***نشانی نویسنده مسئول:** تهران - دانشگاه علوم پزشکی تهران، مرکز تحقیقات و بانک فرآورده های پیوندی ایران

تلفن: ۶۶۴۲۸۸۸ دورنگار: ۶۶۴۳۱۸۱۸

E-mail: arjmand_itb@yahoo.com

مقدمه

با توجه به اینکه کمبود اهدا کنندگان اعضا و نسوج پس از مرگ از مشکلات عمده پیوند می باشد و فراهم آوری اعضا و نسوج پیوندی بطور مستقیم تحت تاثیر میزان اهدا قرار دارد و میزان اهداء (Donation Rate) و پیوند در هر جامعه با میزان آگاهی و نگرش افراد جامعه نسبت به این امر مرتبط می باشد و بدلیل اینکه اخذ کارت اهدای پس از فوت توسط هر فرد متأثر از دیدگاه و نگرش و همچنین آگاهی وی از مقوله پیوند اعضا می باشد که باعث اقدام به داوطلب شدن برای اهدای عضو می شود، لذا در بررسی آگاهی و نگرش داوطلبان و میزان اطلاعات افراد می توان دیدگاههای اشتباه و یا ضعف آگاهی عموم را شناسایی نموده و با سرمایه گذاری و برنامه ریزی های هدفمند در جهت افزایش آگاهی عموم جامعه و فرهنگ سازی بخصوص در زمینه هایی که ضعف اطلاع رسانی و ضعف دیدگاه در جامعه وجود دارد اقدام نمود. اهمیت موضوع دانش و آگاهی افراد قشر های مختلف جامعه و تأثیر آن بر میزان اهدای عضو در سایر کشورها نیز مورد توجه قرار گرفته است، وبعنوان نمونه در کشورهای ترکیه، اسرائیل، دانمارک، پاکستان، برزیل، آمریکا، عربستان، قطر و اسپانیا نیز مطالعات گسترده ای در زمینه تاثیر آگاهی و نگرش افراد بر میزان اهدای اعضا و در نتیجه میزان پیوند انجام شده است. البته در اکثر این مطالعات در زمینه اهدای اعضای پیوندی و اهدا کنندگان مرگ مغزی بحث شده است که پژوهشگران در این تحقیق سعی نموده اند علاوه بر اهدای اعضا به مقوله اهدای نسوج پیوندی نیز پردازند. Kececioglu و همکاران در مطالعه ای

در کشور ترکیه نگرش افراد مذهبی نسبت به اهدای اعضا و پیوند را بررسی نمودند که اکثر افراد مورد مطالعه آن را عملی انسانی تلقی کردند و در این تحقیق تهیه و فراهم آوری اعضا بزرگترین مشکل پیوند در ترکیه معرفی شده است(۱). در تحقیقی که توسط Besser و همکاران انجام شد، دانشجویان اسرائیلی با پرسشنامه ۱۲ سوالی ارزیابی شدند و در این تحقیق مشاهده شد که گرفتن داوطلبانه کارت و تمایل به اهدای اعضا متأثر از حالات روحی و آگاهی و نگرش و تفاوت های شخصیتی افراد می باشد(۲). Madsen و Bogh در یک بررسی پرسشنامه ای، کارکنان ICU های بیمارستانهای مختلف در شمال دانمارک را ارزیابی کردند که با وجود نگرش مثبت این افراد نسبت به اهدای اعضا تنها ۴۹ درصد آنها تمایل به اهدای اعضای خود داشتند(۳). در بررسی دیگری که Ashraf و همکاران انجام دادند، افراد مراجعه کننده به بخشهای درمان سرپایی بیمارستانها در پاکستان بوسیله پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفتند که ۵۹/۹ درصد آنها موافق اهدای اعضای خود پس از مرگ بودند و میزان آگاهی آنها نسبت به اهدای اعضا با میزان آموزشهای قبلی در این زمینه و وضعیت اقتصادی و اجتماعی شان و نیز میزان تحصیلات با تمایل به اهدای اعضا ارتباط معنی داری داشت(۴). در بررسی دیگری که Dutra و همکاران در برزیل بین دانشجویان پزشکی انجام دادند، ۶۹/۲٪ آنها با اهدای اعضا موافق بودند که این مطالعه نیز بر لزوم افزایش آگاهی و دانش کارکنان شاغل در مراکز بهداشتی و درمانی تاکید داشت(۵). تحقیقی در آمریکا توسط

Jasper و همکاران انجام شد که نشان داد اگر مشوقها و پاداشها به عنوان هدایای نیکوکاری و یا هزینه های درمانی اهدا کننده و یا هزینه های تدفین پرداخت شوند از نظر مردم و خویشاوندان اهدا کنندگان، عملی اخلاقی تلقی می شود(۶). Shaheen, Souqiyeh, افزایش آگاهی عموم مردم و کارکنان سیستم های پزشکی را جزو عوامل مهم و موثر در افزایش اهدای اعضا و پیوند در عربستان معرفی کردند(۷). در مطالعه دیگری که به وسیله El-Shoubaki و Bener در قطر انجام شد دو گروه قطری و غیر قطری بررسی شدند که اکثریت هر دو جمعیت تمایل به اهدای اعضا از خویشاوندان داشتند(۸). Shaheen, Souqiyeh عواملی نظیر مذهب، پذیرش و نگرش اجتماعی، حمایت های دولتی و ایجاد مراکز فراهم آوری اعضا را در افزایش میزان اهدا و پیوند اعضا موثر دانستند(۹). Khalaf و Al Sebeyel مطالعه دیگری در عربستان انجام دادند، متخصصین بیهوشی بخشهای مراقبتهای ویژه از نظر آگاهی و نگرش نسبت به اهدای اعضا بررسی شدند که ۵۰٪ آنها پیوند اعضا را عملی موفقیت آمیز میدانستند(۱۰). Matesanz اثر رسانه های جمعی بر اهدا و پیوند اعضا را در اسپانیا بررسی نمود و عدم شناسایی به موقع و درست اهدا کنندگان بالقوه و نقص در سیستمهای اخذ رضایت و فراهم آوری اعضا را عوامل اصلی کمبود اعضای پیوندی معرفی نمود و نیز نگرش نادرست مردم را از عوامل اصلی رد و عدم رضایت اهدای اعضا دانست که بدلیل تاثیر منفی و اشاعه بیش نادرست بوسیله رسانه های جمعی بوده است(۱۱).

در اکثر این بررسی‌ها ابزار کار پرسشنامه بوده است (۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۱۰) که در این مطالعه پرسشنامه‌های برخی از این مقالات نیز استفاده شده (۱ و ۴ و ۸) و پرسشنامه ۲۳ سؤالی تهیه شده است و از نظر پایایی و اعتبار مورد بررسی و سپس تایید قرار گرفته و با هدف بررسی آگاهی و نگرش افرادی که اقدام به گرفتن کارت اهدای اعضا و نسوج می‌نمایند در تحقیق مورد استفاده قرار گرفت.

روش کار

مطالعه‌ای مطالعه به روش مورد-شاهد از خرداد ماه سال ۱۳۸۵ لغایت فروردین ماه سال ۱۳۸۶ در بانک فرآورده‌های پیوندی ایران انجام شد. پرسشنامه ۲۳ سؤالی حاوی اطلاعات دموگرافیک با استفاده از پرسشنامه‌های مشابهی که سایر پژوهشگران در مطالعات قبلی استفاده کرده بودند تهیه شد و از نظر اعتبار و پایایی مورد بررسی و تایید قرار گرفت. برای بررسی پایایی و اعتبار و روایی پرسشنامه تعداد ۲۵ نفر از داوطلبان بطور تصادفی انتخاب شدند و بصورت Test & Retest یک بار در مراجعه اول با پرسشنامه سنجیده شدند و بار دوم پس از حدود ۱۴ روز مجدداً با همان پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفتند که پاسخ‌ها در هر دو مرتبه در مورد هر کدام از افراد تقریباً مشابه بود.

همچنین با استفاده از پرسشنامه‌های مشابه در سایر مطالعات (۱ و ۴ و ۸) و حفظ چارچوب این پرسشنامه‌ها سعی شده است که در زمینه سوالات آگاهی و نگرش حتی الامکان همبستگی درونی پرسشنامه‌ها حفظ گردد. این پرسشنامه بین ۱۷۸ نفر از مراجعه‌کنندگان به بانک

فرآورده‌های پیوندی ایران که فقط جهت گرفتن کارت اهدای عضو پس از مرگ به این مرکز مراجعه نمودند، توزیع شد که بطور داوطلبانه آن را بدون ذکر نام تکمیل کرده و تحویل مسئول توزیع کارت نمودند. به افراد داوطلب توضیح داده شد که تکمیل یا عدم تکمیل این پرسشنامه کاملاً اختیاری است و فقط در صورت تمایل اقدام به دریافت و تکمیل آن نمایند و کسانی که تمایل نداشتند فقط کارت اهدای اعضا و نسوج مورد درخواست را به طریق معمول دریافت می‌نمودند و تکمیل یا عدم تکمیل پرسشنامه تاثیری در روند صدور کارت مورد درخواست آنها نداشت. سؤالات پرسشنامه حاوی سؤالاتی در دو زمینه آگاهی و نگرش افراد در زمینه اهدای اعضا و نسوج بود که با توجه به پاسخ صحیح در هر مورد جداگانه امتیاز بندی شد، و همچنین به همین تعداد افراد غیر داوطلب کارت اهدای عضو، از بین سایر مراجعه‌کنندگان به مجتمع بیمارستانی امام خمینی که از بین همراهان بیماران (نه خود بیمار) که به بخش‌های دیگر بیمارستان غیر از مرکز پیوند مراجعه نموده بودند، به عنوان گروه شاهد توزیع شد که هر دو پرسشنامه کاملاً مشابه بود. از ۱۷۸ نفر گروه مورد مطالعه ۱۱۲ نفر زن (۶۳٪) و ۶۶ نفر مرد (۳۷٪) بودند. تمام پرسشنامه‌ها بررسی و امتیازبندی شدند و نتایج و میزان آگاهی و نگرش افراد بطور جداگانه سنجیده شد و مقایسه‌ای بین گروه مورد مطالعه (داوطلبان کارت اهدای اعضا و عضو) و گروه شاهد (افراد غیر داوطلب) انجام شد، تا تفاوت آگاهی و نگرش این دو گروه با هم مقایسه شود و همچنین تأثیر سایر متغیرها نظیر سن، جنس، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات نیز بررسی شدند.

در بررسی و تفسیر نتایج از آزمونهای mann-whitney test و kruskal-wallis test استفاده شد و مقادیر $P_{value} < 0.05$ از نظر آماری معنی‌دار در نظر گرفته شدند.

یافته‌ها

از ۱۷۸ نفر گروه مورد مطالعه ۴۳٪ مجرد و ۵۷٪ متاهل و سن آنها بین ۱۷ تا ۷۰ سال با میانگین ۳۲/۶۸ سال (انحراف معیار ۹/۶۵) و تعداد فرزندان آنها از صفر تا ۷ فرزند و با میانگین ۱ فرزند (انحراف معیار ۱/۲۸۳) بود. همچنین سطح تحصیلات افراد گروه مورد مطالعه به این صورت بود: ۱۵٪ زیر دیپلم، ۳۷٪ دیپلم، ۱۱٪ کاردان، ۳۳٪ کارشناس، ۱٪ کارشناس ارشد، ۲٪ دکترا و ۱٪ نامشخص. میانگین میزان آگاهی گروه مورد مطالعه ۱۹۰/۱۸ بطور معنی‌داری بیشتر از گروه شاهد ۱۶۵/۸۹ بود ($P_{value} < 0.05$). همچنین میانگین میزان نگرش گروه مورد مطالعه ۲۴۰ بود که این میانگین نیز بطور معنی‌داری بیشتر از گروه شاهد با میانگین ۱۱۷ بود ($P_{value} < 0.05$). بین سن افراد گروه مورد مطالعه و میزان نگرش آنها نسبت به اهدا و پیوند اعضا و نسوج رابطه معنی‌دار با همبستگی منفی وجود داشت به این معنی که هرچه سن افراد گروه مورد مطالعه کمتر، میزان نگرش آنها بیشتر بود ($P_{value} < 0.05$) ولی ارتباط معنی‌داری بین سن افراد گروه مورد مطالعه و میزان آگاهی آنها مشاهده نشد ($P_{value} > 0.05$). بین متغیر میزان تحصیلات گروه مورد مطالعه و میزان آگاهی آنها و همچنین میزان تحصیلات و



میزان نگرش آنها رابطه معنی داری وجود نداشت. در بررسی متغیرهای جنس و وضعیت تاهل افراد گروه مورد مطالعه رابطه معنی داری بین این متغیرها و میزان آگاهی و نگرش مشاهده نشد ($P_{value} > 0.05$).

افراد گروه مورد مطالعه انگیزه شان برای گرفتن کارت اهدای اعضا ونسوج را باین صورت ذکر کرده بودند: ۴۰٪ کمک به هموعان، ۱۸٪ کمک به مسلمانان نیازمند پیوند، ۱۶٪ کمک به هموطنان نیازمند، ۱۲٪ اعتقاد به ادامه حیات پس از مرگ و ۱۴٪ سایر موارد. از میان افراد گروه مورد مطالعه ۶۸/۸٪ تمایل به اهدای تمام اعضا ونسوج قابل استفاده داشتند و ۲۱/۳٪ تمایل به اهدای یک عضو یا نسج را داشتند و ۹/۸٪ خواسته ای بین این دو گروه را ذکر کردند. در بررسی منبع کسب اطلاعات افراد گروه مورد مطالعه در زمینه اهدا و پیوند اعضا و نسوج نتایج جالب توجهی بدست آمد (شکل ۱).

بحث

با توجه به اینکه در تمام دنیا لیست انتظار بیماران نیازمند پیوند نسبتا طولانی است و بسیاری از این بیماران قبل از پیوند و بدلیل عدم فراهم شدن عضو و نسج پیوندی فوت می کنند و یا دچار معلولیت‌های شدید و تاثیر گذار در کیفیت زندگی می شوند، لذا ضروری است جهت بهبود وضعیت پیوند در جهان و از جمله در کشورهای در حال توسعه مانند ایران با شناسایی عوامل تاثیر گذار بر میزان اهدای اعضا و نسوج پیوندی و بهبود شرایط، زمینه های افزایش میزان اهدا و به تبع آن افزایش میزان پیوند را بوجود آورد. از جمله عوامل بسیار تاثیر گذار بر

این مقوله میزان آگاهی و نگرش افراد جامعه نسبت به اهدا و پیوند اعضا و نسوج می باشد.

علیرغم اینکه قانون پیوند در ایران در سال ۲۰۰۰ تصویب شد و اکثریت مراجع و علمای مذهبی موافق این امر هستند و با وجود حمایت‌های دولتی و مراکز خیریه و با توجه به این که امراه‌های اعضا و نسوج در جامعه ما به عنوان یک عمل انسان دوستانه و خدایسپندانه شناخته می شود، ولی میزان اعضا و نسوج فراهم آوری شده در مقایسه با کشورهای پیشگام در این زمینه رضایت بخش نیست. در این مطالعه سعی شده است تا میزان آگاهی و نگرش داوطلبان کارت اهدای اعضا ونسوج بررسی شده و عواملی که باعث افزایش تمایل افراد برای اهدا می شود ارزیابی شود. در مطالعه ای که در کشور ترکیه انجام شد، نگرش افراد مذهبی نسبت به اهدای اعضا و پیوند قابل قبول بود و افراد مورد مطالعه آن را عملی انسانی تلقی کردند و فراهم آوری اعضا بزرگترین مشکل پیوند در ترکیه معرفی شده است. نکته دیگر اینکه افراد مورد مطالعه رسانه ها را منبع کسب اطلاعاتشان در زمینه پیوند و اهدای اعضا ذکر نمودند (۱). Besser و همکاران نشان دادند که بین میزان آگاهی و نگرش افراد و تمایل برای گرفتن کارت اهدا رابطه معنی داری وجود دارد و تمایل به اهدا در گیرندگان کارت اهدا بطور معنی داری بیش از افراد غیرداوطلب برای گرفتن کارت اهدای عضو است (۲). در یک بررسی پرسشنامه ای کارکنان ICU در شمال دانمارک با وجود نگرش مثبت این افراد در مورد اهدای اعضا، تنها ۴۹٪ آنها تمایل به اهدای اعضا خود داشتند و در مجموع نتایج این مطالعه بر لزوم آموزش بیشتر کارکنان مراکز بهداشتی و درمانی در

زمینه اهدا و پیوند اعضا تاکید داشت (۳). در بررسی Ashraf و همکاران بر روی بیماران سرپایی، ۵۹/۹٪ آنها موافق اهدای اعضای خود پس از مرگ بودند و میزان آگاهی آنها نسبت به اهدای اعضا با میزان آموزش‌های قبلی در این زمینه وضعیت اقتصادی و اجتماعی شان و نیز میزان تحصیلات با تمایل به اهدای اعضا ارتباط معنی داری داشت و بیشتر افراد اطلاعاتشان را در زمینه پیوند از طریق تلویزیون و نشریات کسب کرده بودند و ارتباط معنی داری بین تمایل به اهدا و جنس افراد وجود داشت و مردان بیش از زنان تمایل به اهدا داشتند و هر چه میزان تحصیلات افراد بیشتر بود تمایل به اهدای اعضا نیز بیشتر بود (۴). در بررسی دیگری در برزیل که در آن دانشجویان پزشکی مورد بررسی قرار گرفتند که این مطالعه نیز بر لزوم افزایش آگاهی و دانش کارکنان شاغل در مراکز بهداشتی و درمانی تاکید نمود (۵). Jasper و همکاران در مطالعه ای در امریکا نشان دادند که نگرش عمومی جامعه نسبت به عوامل مشوق و انگیزشی اهدای اعضا اگر این مشوقها و پاداشها به عنوان هدایای نیکوکاری و یا هزینه های درمانی اهدا کننده و یا هزینه های تدفین پرداخت شوند مثبت بوده و از نظر مردم و خویشاوندان اهدا کنندگان، عملی اخلاقی تلقی می شود (۶). Shaheen و Souqiyyeh افزایش آگاهی عمومی جامعه و کارکنان سیستم های پزشکی را جزو عوامل مهم و موثر در افزایش اهدای اعضا و پیوند در عربستان معرفی کردند (۷).

El-Shoubaki و Bener در مطالعه ای در قطر نشان دادند که اکثریت هر دو جمعیت قطری و غیر قطری تمایل به اهدای اعضا از خویشاوندان داشتند نیز در

این مطالعه بر تأثیر آموزشهای مداوم و افزایش آگاهی عموم و کارکنان مراکز پزشکی در مورد اهدا و پیوند اعضا تأکید شده است (۸). Shaheen و Souqiyyeh عواملی نظیر مذهب، پذیرش و نگرش اجتماعی، حمایت‌های دولتی و ایجاد مراکز فراهم آوری اعضا را در افزایش میزان اهدا و پیوند اعضا موثر دانستند (۹). در مطالعه دیگری که بوسیله Khalaf و Al Sebeyel در عربستان انجام شد، متخصصین بیهوشی بخش‌های مراقبت‌های ویژه از نظر آگاهی و نگرش نسبت به اهدای اعضا بررسی شدند که ۵۰٪ آنها پیوند اعضا را عملی موفقیت آمیز میدانستند و عدم رضایت خویشاوندان اهدا کنندگان را عامل اصلی کمبود اعضای پیوندی دانستند (۱۰). Matesanz در مطالعه‌ای که در اسپانیا انجام داد، نگرش نادرست مردم را از عوامل اصلی رد و عدم رضایت اهدای اعضا دانست که بدلیل تأثیر منفی و معکوس رسانه‌ها و اشاعه بینش نادرست بوسیله رسانه‌های جمعی بوده است (۱۱). نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد، میزان آگاهی و نگرش افراد داوطلب کارت اهدای اعضا و نسوج از افراد گروه شاهد بیشتر است که این نتیجه با نتایج سایر مطالعات بررسی شده همخوانی دارد. بین سن افراد گروه مورد مطالعه و میزان نگرش آنها نسبت به اهدا و پیوند اعضا و نسوج رابطه معنی‌دار با همبستگی منفی وجود داشت به این معنی که هرچه سن افراد گروه مورد مطالعه کمتر، میزان نگرش آنها بیشتر بود ولی ارتباط معنی‌داری بین سن افراد گروه مورد مطالعه و میزان آگاهی آنها مشاهده نشد. بر خلاف نتایج برخی از مطالعات در این تحقیق بین متغیر میزان تحصیلات گروه مورد مطالعه

و میزان آگاهی آنها و همچنین میزان تحصیلات و میزان نگرش آنها رابطه معنی‌داری وجود نداشت. در بررسی متغیرهای سن و جنس و وضعیت تاهل افراد گروه مورد مطالعه رابطه معنی‌داری بین این متغیرها و میزان آگاهی و میزان نگرش مشاهده نشد. افراد گروه مورد مطالعه انگیزه‌شان برای گرفتن کارت اهدای اعضا و نسوج به این صورت ذکر کرده بودند: ۴۰٪ کمک به هم‌نوعان، ۱۸٪ کمک به مسلمانان نیازمند پیوند، ۱۶٪ کمک به هم‌وطنان نیازمند، ۱۲٪ اعتقاد به ادامه حیات پس از مرگ و ۱۴٪ سایر موارد که با توجه به این نتیجه می‌توان چنین گفت که تقویت حس انسان دوستی و آموزش بیشتر توصیه‌های مذهبی در زمینه پیوند اعضا و اهدای اعضا و نسوج از طریق رسانه‌های جمعی میتواند میزان تمایل عمومی افراد جامعه به کمک به بیماران نیازمند پیوند افزایش داد. از میان افراد گروه مورد مطالعه ۶۸/۸٪ تمایل به اهدای تمام اعضا و نسوج قابل استفاده داشتند و ۲۱/۳٪ تمایل به اهدای یک عضو یا نسج را داشتند و ۹/۸٪ خواسته‌ای بین این دو گروه را ذکر کردند. نکته دیگری که از نتایج مطالعه به دست آمد منبع کسب اطلاعات گروه مورد مطالعه در زمینه اهدا و پیوند اعضا و نسوج می‌باشد (شکل ۱) که تقریباً با اکثر مطالعاتی که این مورد را بررسی نموده‌اند همخوانی دارد و این نتیجه نشان می‌دهد که تلویزیون و رادیو و سایر رسانه‌ها و مطبوعات تا چه اندازه می‌توانند در جهت افزایش آگاهی و فرهنگ‌سازی در جامعه موثر باشند و رسانه‌های جمعی نظیر رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها با ایجاد بینش و فرهنگ صحیح و اصلاح برخی باورهای نادرست در زمینه اعضا و پیوند

نقش انکارناپذیر و با ارزش در این زمینه خواهند داشت. لذا می‌توان با هماهنگی‌های اساسی و طولانی مدت با رسانه‌ها و مطبوعات بصورت ممتد با ارایه برنامه‌ها و انتشار مقالات و مطالب علمی و فرهنگی و اجتماعی در مورد جنبه‌های مختلف پیوند در این زمینه فرهنگ‌سازی درستی انجام داد و با تقدیر شایسته از اهدا کنندگان و نهادینه کردن فرهنگ قدردانی از این افراد و خانواده آنها میزان تمایل افراد جامعه به اهدای اعضا و نسوج را افزایش داد. از نتایج این مطالعه چنین برمی‌آید که افزایش میزان آگاهی افراد جامعه و همچنین افزایش میزان نگرش و عوامل انگیزشی در زمینه اهدای اعضا و نسوج باعث افزایش تمایل افراد به اهدا در نتیجه افزایش میزان اعضا و نسوج فراهم آوری شده و افزایش میزان پیوند خواهد شد. از آنجا که ارتقای میزان آگاهی و نگرش کارکنان و متخصصین امور بهداشتی و درمانی در افزایش میزان آگاهی و نگرش عمومی جامعه و نیز افزایش میزان اهدا و پیوند در بسیاری از مطالعات انجام شده با اهمیت تلقی شده است می‌توان مطالعات دیگری در زمینه دیدگاه‌ها و میزان آگاهی و نگرش این گروه‌های خاص جامعه که بیشتر از عموم مردم با بیماران پیوندی و یا نیازمند پیوند و مقوله اهدای اعضا و نسوج ارتباط دارند انجام داد و در صورت لزوم در زمینه ارتقای علمی آنها برنامه‌ریزی نمود. همچنین بدلیل اینکه نگرش هر فرد در هر زمینه‌ای از جمله اهدای اعضا ناشی از فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی طولانی مدت می‌باشد و در این مطالعه و چندین مطالعه دیگر نشان داده شده است که افراد نوجوان و جوان بیش از افراد میانسال و مسن تمایل به اهدای اعضا دارند لذا

می توان با گنجاندن واحد های درسی خاص در این زمینه در کتب دبیرستان و دانشگاه برای بهبود و ارتقای فرهنگ اهدا در میان این گروه های سنی برنامه ریزی نمود. همچنین میتوان چنین بررسی هایی را در میان قشرهای متفاوت جامعه و با حجم نمونه بیشتری انجام داد تا هم دیدگاه های اقشار متفاوت را سنجید و هم بتوان در ابعاد وسیع برنامه ریزی های بهتری را ارائه نمود.

مراجع

1. Kececioglu N, Tuncer M, Yucetin L, Akaydin M, Yakupoglu G. Attitude of Religious People in Turkey Regarding Organ Donation and Transplantation. *Transplantation Proceedings* 2000;32:629-630.
2. Besser A, Amir M, Barkan S. Who Signs an Organ Transplant Donor Card? A Study of Personality and Individual Differences in a Sample of Israeli University Students. *Personality and Individual Differences* 2004;36:1709-1723.
3. Bogh L, Madsen M. Attitude, knowledge and Proficiency in Relation to Organ Donation: A Questionnaire- Based analysis in Donor Hospitals in northern Denmark. *Transplantation Proceedings* 2005;37:3256-3257.
4. Ashraf O, Ali S, Ali SA, Ali H, Alam M, Ali A, Ali TM. Attitude Toward Organ Donation: A Survey in Pakistan. *Artificial Organ* 2005;29(11):899-905.
5. Dutra MMD, Bonfim TAS, Pereira IS, Figueiredo IC, Dutra AMD, Lopes AA. Knowledge About Transplantation and Attitudes Toward Organ Donation: A Survey Among Medical Students in Northeast Brazil. *Transplantation Proceedings* 2004;36:818-820.
6. Jasper JD, Nickerson CAE, Hershey JC, Asch DA. The Public's Attitudes Toward Incentives for Organ Donation. *Transplantation Proceedings* 1999;31:2181-2184.
7. Shaheen FAM, Souqiyyeh MZ. Increasing Organ Donation Rate From Muslim Donors: Lessons From a Successful Model. *Transplantation Proceedings* 2004;36:1878-1880.
8. El-Shoubaki H, Bener H. Public knowledge and Attitudes Toward organ Donation and Transplantation: A Cross- Cultural Study. *Transplantation Proceedings* 2005;37:1993-1997.
9. Shaheen FAM, Souqiyyeh MZ. Factors Influencing Organ Donation and Transplantation in the Middle East. *Transplantation Proceedings* 2000;32:645-646.
10. Al Sebeyel MIM, Khalaf H. Knowledge and Attitude of Intensivists Toward Organ Donation in Riyadh, Saudi Arabia. *Transplantation Proceedings* 2004;36:1883-1884.
11. Matesanz R. Organ Donation, Transplantation, and Mass Media. *Transplantation Proceedings* 2002;35:987-989.